عکس: محمد حسن صلواتی | شهرآرا

بحران آب، نیازمند اختیارات محلی

صاحب نظران «تدبیر محلی و واقعی‌کردن نرخ آب بها» را راهکار گذر از وضعیت موجود می دانند

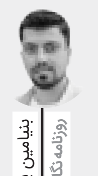

بنیامین یوسف زاده
روزنامه نگار

میزگرد

بارش سیل آسای آخرین روزهای اردیبهشت مشهد، اگرچه لطماتی از جنس غم و اندوه از دست دادن شماری از شهروندان را به همراه داشت، چشم خشک دشت های تفتیده شرق کشور را به جرعه ای باران روشن کرد تا کابوس خشک سالی عجیب وغریبی که متولیان آبی برای مشهد و زائرانش پیش بینی کرده بودند، فعلا از بیخ گوشمان گذر کند. آن طور که تا قبل از این بارندگی ها از زبان مسئولان آبی استان و شهر شنیده می شد، نزدیک بود مشهد به سمتی برود که فصل تموز امسال را با بیش از ۶ هزار لیتر بر ثانیه تشنگی تجربه کند؛ عطشی که ناشی از حذف منابع آبی سطحی از چرخه تولید و در بدبینانه ترین حالت ممکن، چیزی حدود ۲ هزار لیتر بر ثانیه بیشتر از سال قبل بود. اما افزایش ۲۳۴ درصدی بارش های مشهد نسبت به سال آبی گذشته و رشد ۲۰ درصدی آن نسبت به دوره آماری بلندمدت و به تبع آن، جان گرفتن سدهای خالی از آب، این نوید را می دهد که بحران کم آبی امسال را نیز بتوان با مدیریت مصرف و همچنین مدیریت منابع پشت سر گذاشت. نگرانی های شهرآرا از کسری شدید منابع آبی و حال وخیم دشت های ممنوعه و بحرانی استان و در رأس آن ها دشت تشنه مشهد، ما را بر آن داشت که با دعوت از متولیان و صاحب نظران این حوزه به آسیب شناسی و چاره جویی برای گذر از این بحران بپردازیم. در همین راستا با دعوت مؤسسه فرهنگی شهرآرا، مهندس محمدعلی نعمت نژاد، مدیرعامل شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی، مهندس حسین اسماعیلیان، مدیرعامل شرکت آب وفاضلاب مشهد و دکتر کامران داوری، رئیس پژوهشکده آب و محیط زیست دانشگاه فردوسی، دور یک میز جمع شدند تا از بایدها و نبایدهای این بحران سخن بگویند. این میزگرد چند روز قبل از باران سیل آسای مشهد برگزار شد و هرچند برخی اعداد و آمار آن درباره میزان ذخایر آبی، به روز شده و وضعیت آبی مشهد نیز بهبود یافته است، همچنان اجرای طرح های آب رسانی این شهر از مهم ترین الزامات کاری مسئولان آبی به شمار می آید.

حجم برداشت

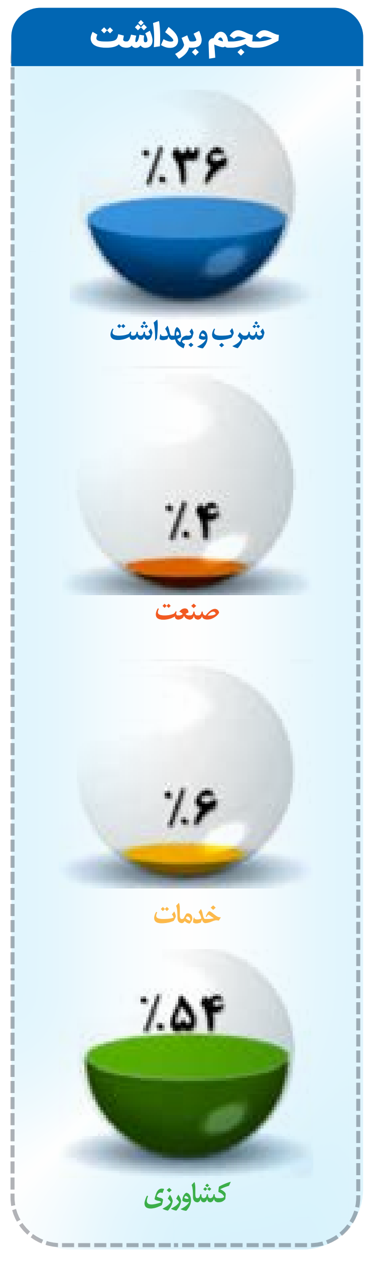

وضعیت ذخیره آب در سدهای تامین آب مشهد

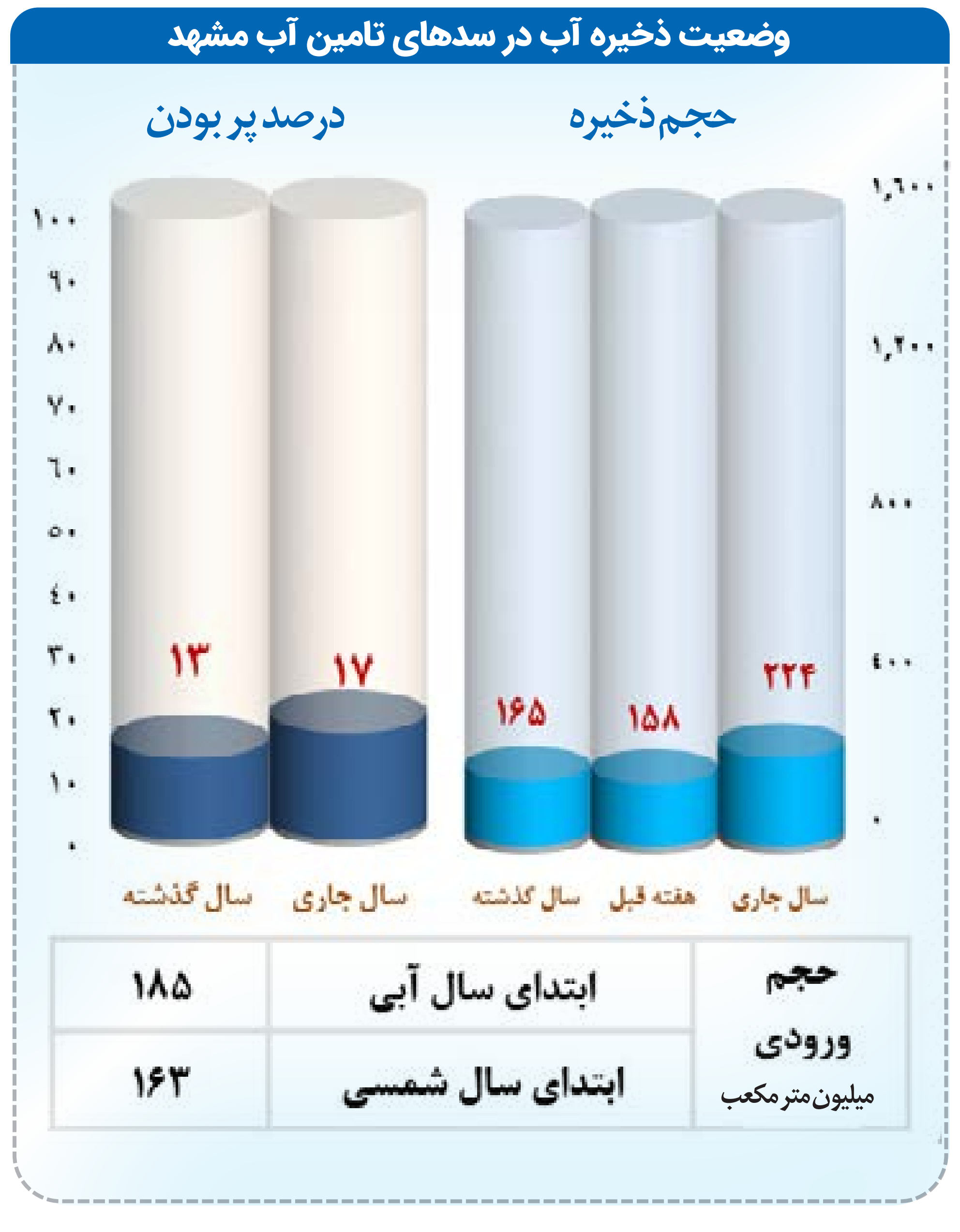

حجم ورودی میلیون مترمکعب	ابتدای سال آبی	۱۸۵
	ابتدای سال شمسی	۱۶۳

بارش سال گذشته

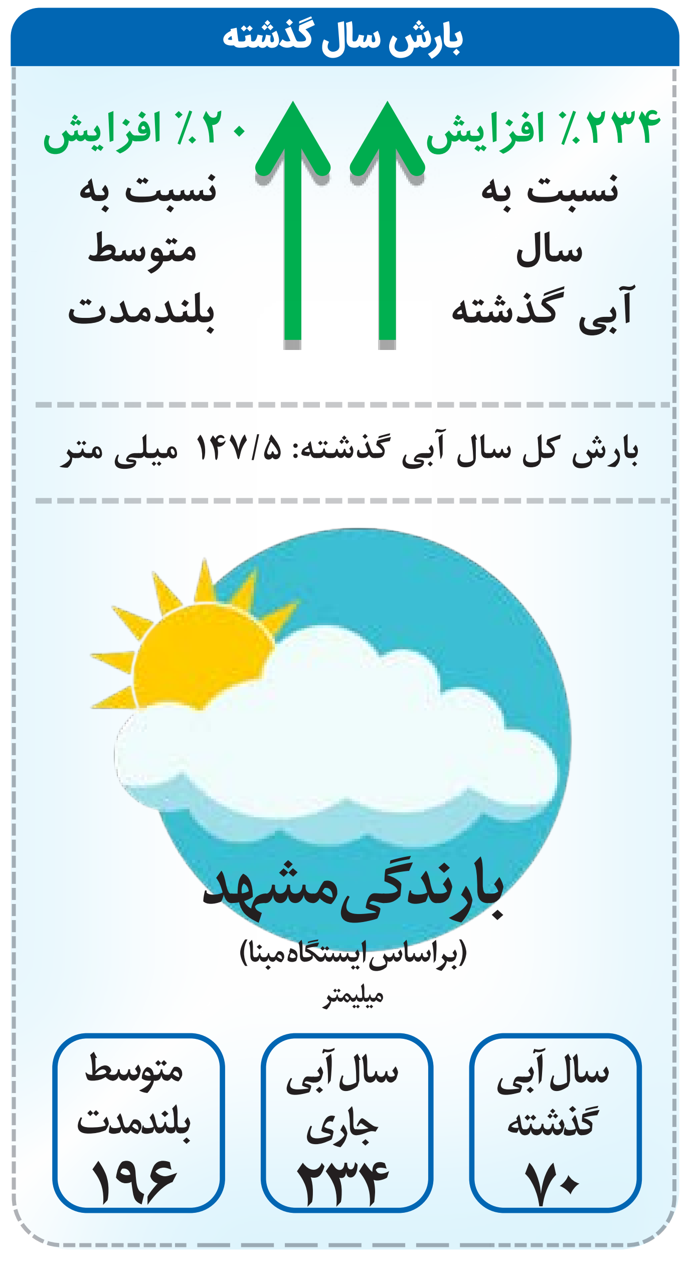

شهرآرا تابستان هنوز شروع نشده است و با این حال مثل هرسال، نگرانی های زیادی برای تأمین آب یکی از شهرهای مهم ایران وجود دارد. آیا آینده آبی این شهر با همین نگرانی ها گره خورده است و هیچ راهی برای عبور از این کابوس وجود ندارد؟ گره تأمین آب پایدار مشهد کجاست؟

نعمت نژاد: خداوند را از بابت باران رحمتی که از اسفند داشتیم، شاکریم؛ اگرچه نگرانی هایی که از بابت اوج مصرف داریم، هنوز برطرف نشده است. جمعیت زیاد و متراکمی که در این نقطه از کشور وجود دارد، همواره کار خدمات رسانی در حوزه آب را با چالش هایی مواجه کرده است. درحال حاضر ۵۰ درصد جمعیت استان، در مشهد مستقر شده اند. نزدیک به ۶۰ درصد صنعت استان هم روی همین آبخوان و در بهترین نقطه جا خوش کرده است. بنا نداریم که همه چیز را بخشکانیم! این جمعیت گسترده در بهترین نقطه آبخوان مستقر شده اند. ما به دلیل کمبود فیزیک آب مجبوریم به دنبال انتقال آن، البته درکنار حفظ منابع موجود، برای آینده شهر باشیم تا با چالشی مواجه نشویم. در همین راستا برای تأمین آب پایدار این نقطه از کشور و جلوگیری از وقوع بحران آبی، باید همواره طرح های مختلف آب رسانی در دستورکار قرار گیرد. برای این منظور، پروژه های مختلفی برای تأمین آب مشهد درنظر گرفته شده است که همگی آن ها باید اجرا شود و قرار بر حذف هیچ کدامشان نیست. در جلسه ای هم که به تازگی با وزیر نیرو داشتیم، بر این موضوع تأکید شد تا طرح های مصوب با قدرت و قوت هرچه بیشتر به کار خود ادامه دهند. خوشبختانه با بارش های خوبی که از اسفند سال گذشته داشتیم، خداوند فرصتی یک تا دوماهه به ما داد تا این پروژه ها را با دقت بیشتری اجرا کنیم. هدف اصلی خادمان حوزه آب، تأمین نیاز آبی شهر مشهد با خط قرمزی به نام «عدم جیره بندی» است که با کمک همکاران و مجموعه های بالادستی مثل وزارت نیرو و سازمان برنامه وبودجه تلاش می کنیم به خوبی به وظایف خود عمل کنیم.

اسماعیلیان: چالش تأمین آب شرب مشهد چندان به وضعیت خشک سالی های اخیر برنمی گردد. مشهد به لحاظ جمعیتی به شدت در حال توسعه است وازطرفی به دلیل قرارگرفتن این کلان شهر در اقلیمی خشک، همواره نگرانی های زیادی برای تأمین آب ساکنانش وجود داشته است. وضعیت خشک سالی در چهار سال اخیر، مشکلات این حوزه را دوچندان کرده است اما اگر این مشکل هم نبود، ناپایداری شرایط، تأمین آب مشهد را تحت الشعاع قرار می داد. دو تقسیم وظیفه برای شرکت های آب در این زمینه در وزارت نیرو وجود دارد که تقریبا شباهت زیادی با شرکت های برق دارد. شرکت های آب منطقه ای به عنوان حاکمیت، مسئولیت تأمین آب را برعهده دارند و شرکت های آب وفاضلاب نظیر شرکت آبفای مشهد، مسئولیت توزیع آن را. اما در قانون آمده است که در برخی مواقع و براساس تشخیص وزارت نیرو، شرکت های آبفا نیز باید در برخی پروژه هایی که از جنس تأمین آب هستند، مشارکت کنند؛ مثل پروژه های خط انتقال سدهای دوستی و ارداک که شروع کننده آن آب منطقه ای بود و در مقطعی به شرکت آبفای مشهد تحویل داده شد یا بعضی پروژه هایی که اجرای آن را وزارت نیرو به شرکت آب وفاضلاب مشهد سپرده است.

باتوجه به مطالعات صورت گرفته، مشهد در افق ۱۴۲۰ با جمعیت ثابت ۵ میلیون نفر، به چیزی حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب در سال آن هم با درنظر گرفتن الگوی مصرف، کاهش هدررفت و همچنین مدیریت آب فضای سبز نیاز دارد. به نظر من، این پیش بینی جمعیت در افق مذکور بسیار خوش بینانه است؛ زیرا باتوجه به شواهد موجود و همچنین انجام نشدن سرشماری جمعیت از سال ۹۵ تا کنون، احتمال می رود که مشهد خیلی زودتر از این تاریخ به جمعیت ۵ میلیونی خود برسد. با این حال برنامه های مختلفی از جنس کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برای تأمین آب این کلان شهر درنظر گرفته شده است تا برای تأمین این نیاز ۴۰۰ میلیون مترمکعبی، مشکلی پیش نیاید.

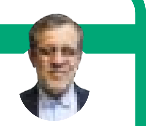

داوری: علم فرزند عمل است. ان شاءا... درکشور ما هم رابطه فرزند-والدی محکمی در این زمینه شکل بگیرد و دانشگاه ها آن قدر به حوزه اجرا وابسته شوند که مدام از این حوزه بیاموزند. در دنیا هم به همین شکل است. آنچه درکتاب علم آمده است، تجربیات مدون شده ای است که گذشتگان رقم زده اند. ثانیا؛ عملکرد شرکت های آب در مدیریت بحران تأمین آب مشهد را موفق ارزیابی می کنم؛ زیرا مشهدی ها هیچ کدام از دشواری های تأمین این مایع حیاتی را در تابستان های اخیر حس نکردند و همه مشکلات در اتاق های مدیران آبی بود و بالاخره از سر گذشت. از این بابت باید دست دوستان را هم بوسید. در شرایط موجود، دوستان بهترین کاری را که خرد می گوید، برای تأمین آب انجام می دهند. گاهی با خودم ساعت ها فکر می کنم که با این وضعیت آبی چه باید کرد، اما چیزی ورای کاری که درحال حاضر انجام می شود، به ذهنم نمی رسد. دوستان علمی همین مباحث علمی را پیش می کشند که شما دارید سفره را می اندازید (سطح آب های زیرزمینی را پایین می آورید) اما من خودم را جای این افراد می گذارم که اگر این کار را نکنند و مشهد تشنه بماند، باید چه کار کرد و چه کسی پاسخگوست؟ فرض کنید آخر تیرماه است و یک مناسبت مذهبی داریم و مردم آب می خواهند. اگر اجرا و علم را کنار هم بگذاریم، ما را نجات می دهد اما عواملی که به ما کمک می کنند، از جنس کوتاه مدت نیستند.

مشکل اصلی ما جای دیگری است؛ ما وقتی از منظر پایایی نگاه کنیم، می بینیم که روزبه روز شرایط بدتری را در حوزه تأمین آب تجربه کرده ایم. براساس گزارش مسئولان آبی، در سال ۱۳۹۰ سرانه تجدیدپذیری آب در مشهد ۳۵۰ مترمکعب بوده که در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به ۸۵ مترمکعب به ازای هر فرد کاهش یافته است. براساس آمار جهانی، این سرانه اگر در شهری بیشتر از ۱۷۰۰ مترمکعب باشد، آن شهر بدون مشکل است، بین ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ مترمکعب گاهی مشکل ظاهر می شود، زیر ۱۰۰۰ مترمکعب سبب فقر آبی می شود و زیر ۵۰۰ مترمکعب فقر مطلق آبی را درپی خواهد داشت. اما مقصر این ماجرا هیچ کدام مان نیستیم؛ جمعیت شهر مشهد رو به افزایش است. جمعیت شهر مشهد با حومه اش حدود ۵ میلیون نفر است؛ یعنی همان عددی که قرار است در افق ۱۴۲۰ داشته باشیم، به گردن مشهد بار شده است. همه این آدم ها سر سفره مشهد نشسته اند و از همین آب استفاده می کنند. اگر قرار است این موضوع کنترل شود، باید راهی را که دنیا رفته است، تجربه کنیم. وقتی یک شهر مانند توکیو، بزرگ می شود، هزینه های زندگی آن قدر زیاد می شود که دیگر زندگی در آن شهر توجیه پذیر نیست. در این زمینه سیاست های ملی باید موضوع را حل وفصل کند.

شهرآرا به طرح های آبی در دست اجرا اشاره شد. آیا این پروژه ها، نگرانی های موجود برای تأمین آب این کلان شهر را حل می کند و اصلا اجرای آن ها چقدر برای مشهد آب می خورد؟

نعمت نژاد: شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی و شرکت آب وفاضلاب مشهد برای اجرای طرح های بلندمدت آبی، کارهای بزرگی را از سال ۱۳۹۲ آغازکرده اند. همان طور که گفته شد، نیاز آبی مشهد در افق ۱۴۲۰، چیزی حدود ۳۹۶ میلیون مترمکعب برآورد شده که به تصویب شرکت مهندسی آبفای کشور نیز رسیده است. برای نیل به این هدف، تعدادی پروژه را در دستورکار داریم، حتی همان موقع هم سد دوستی را در شرایط عادی ندیدیم و چیزی حدود ۳۰ میلیون مترمکعب را برای آن درنظر گرفتیم. انتقال آب از یال شمالی کوه های هزارمسجد به حجم ۳۶ میلیون مترمکعب و انتقال آب از دریای عمان هرکدام با احجام تخصیصی را پیش بینی کرده بودیم و سال بهره برداری هم مشخص بود، با این حال متأسفانه این طرح ها به دلایل مختلف با تأخیر مواجه شده است. در این میان، برنامه برداشت از آبخوان چیزی حدود ۱۱۰ میلیون مترمکعب بود که به دلیل خشک سالی های اخیر و افزایش سطح برداشت ها، فشار زیادی روی منابع زیرزمینی آورده شده است. در همین راستا شانزده پروژه که وزیر نیرو هم بر اجرای آن ها تأکید کرده، برای تأمین آب مشهد درنظر گرفته شده است تا با اعتباری بالغ بر ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اجرا شود.

ما در زمان تدوین این برنامه، شرایط بدبینانه خروج سدها از مدار بهره برداری را نیز دیده بودیم. امسال هم اوج مصرف را در سطح ۱۳ هزار و ۲۰۰ لیتربرثانیه دیدیم. در تابستان گذشته، ۱۲ هزار و ۸۷۰ لیتربرثانیه عملکرد داشتیم و سال گذشته با این اوج مصرف در شهرمان روبه رو بودیم. با درنظر گرفتن افزایش دما در روزهای تابستان، همچنین تقارن مناسبت هایی مانند روزهای پایانی ماه صفر با فصل گرما و با فرض بدبینانه حذف سدها از چرخه آبرسانی، توان تولید منابع در اختیار فقط ۷ هزار و ۱۵۰ لیتربرثانیه است و با این تفاصیل ۶ هزار و ۵۰ لیتربرثانیه کسری آب و ناترازی در سال ۱۴۰۳ پیش بینی کرده ایم. این کسری در سال گذشته ۴ هزار لیتربرثانیه بود. پروژه های گفته شده برای اثربخشی و تأمین آن ۶ هزار و ۵۰ لیتر بوده است که سهم شرکت آب منطقه ای از دبی این میزان، ۳ هزار و ۹۲۰ لیتربرثانیه و سهم همکاران شرکت آبفای مشهد ۲ هزار و ۱۳۰ لیتربرثانیه است. برای این مهم، تقسیم اعتبار شده و ریزپروژه ها نیز ابلاغ شده است. آخرین خبری که به لحاظ اعتباری می توانم بدهم، این است که به صورت گام به گام نقدینگی به شرکت های آب تزریق خواهد شد و در همین زمینه، نامه خزانه ۵۶۵ میلیارد تومان برای دو شرکت ارسال شده است تا پروژه ها را ادامه بدهیم.

اسماعیلیان: سه سال قبلی که گذشت، سال های بسیار سخت و نامناسبی را از لحاظ خشک سالی در مشهد شاهد بودیم؛ به ویژه سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ که بی سابقه بود و درمجموع کمتر از نود میلی متر بارندگی داشتیم؛ نزدیک به ۷۰ درصد کاهش بارندگی نسبت به دوره بلندمدت در سال آبی گذشته آن. پیش بینی می شد که سال بعدی آن در پاییز بارندگی خوبی داشته باشیم، حتی با چند بارندگی خوب پاییز، بعضی ها دست و پای خود را جمع کردند که با این آب ها می خواهند چه کنند! ولی در ادامه، متأسفانه بدترین پاییز را حتی نسبت به سال قبلش داشتیم. حتی در زمستان هم اتفاقی نیفتاد تا بهمن و اسفند که چند بارندگی رخ داد. تقریبا نیمه اول سال آبی جدید با کاهش ۴۵ درصدی بارندگی نسبت به بلندمدت مواجه بودیم. فروردین خوبی هم نبود اما خدا را شکر از اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت بارندگی های خوبی داشتیم.

درکلان شهرها سهم بیشتری از تأمین آب بر دوش منابع آب سطحی است. در مشهد که در یک اقلیم نیمه خشک قرار دارد، این نسبت پنجاه به پنجاه است. بارندگی های اوایل اردیبهشت، اتفاق خاصی را در برخی سدها رقم نزد؛ دلیلش این است که سه سال مستمر خشک سالی را سپری و دائم از منابع آب سطحی استفاده کردیم و هرچه به جلو می رویم، مشکلات سه سال قبل مضاعف می شود. کماکان در وضعیت خشک سالی قرار داریم، بنابراین نگرانی هایی برای تأمین آب در تابستان وجود دارد؛ البته با همکاری خوب شرکت های آب و با فرض بدبینانه جلو آمدیم و وزارت نیرو هفده پروژه اضطراری را برای کلان شهر مشهد تصویب کرد. همان طور که گفتیم، این پروژه ها چیزی نزدیک به ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار لازم دارد؛ البته مجموعه ای از بدهی ها و مطالبات پروژه های پیمانکاران تنش ۱۴۰۲ هم بر ما تحمیل شده است.

داوری: یکی از مشکلات بزرگ موجود در این زمینه، این است که متأسفانه اجازه مدیریت تقاضا نداریم و صرفا باید مدیریت تأمین و عرضه کنیم. تا زمانی که مأموریت ما این باشد، چرخ بر همین منوال می چرخد. اما در واقعیت باید این گونه باشد که اگر آب نیست، باید گران شود و اگر گران شود، قطعا این مشکلات حل می شود. ای کاش در همان سال ۱۳۷۰ رعایت می کردیم و مثل اول انقلاب هیئت هفت نفره به این راحتی ها مجوز حفر چاه به افراد نمی داد. اگر این اتفاق می افتاد، مشهد شهر گرانی می شد و به جای استقرار یک کارخانه رب، یک کارخانه تراشه های کامپیوتری در این منطقه مستقر می شد؛ چراکه دیگر صنایع پرآب طلب، صرفه ای برای ادامه کار خود و استفاده بی رویه از آبخوان نمی دیدند. ازسوی دیگر درحال حاضر به دلیل تصمیم های کلان ملی، استفاده از وسایل کاهنده مصرف آب نیز برای شهروندان صرفه ای ندارد. جای تصمیم گیری و تصمیم سازی برای این مسائل، دور این میز نیست و یک جای دیگر است.

اگر بخواهیم به ساحل امن برسیم، باید نسبت استفاده ما از آب تجدیدپذیر به ۴۰ درصد برسد که با این کار اکوسیستم سالم بماند و ضربه به سفره نخورد. اما الان خیلی از این موضوع گذر کرده ایم. حتما باید بازار آب راه بیفتد. خراسان رضوی در این زمینه پیشتاز است و در شهرستان خواف، مقدمات این کار آغاز شده است. درست است که هرکار جدید، خطاهای خاص خودش را دارد اما اگر به سمتش نرویم، به تجربه خوبی نخواهیم رسید. اگر آب کم است، شهروند باید این موضوع را لمس و درک کند که اگر زیاد زیر دوش آب بایستد، تومانی که برای قبض می پردازد، جیبش را تکان خواهد داد. من باشم، می گویم به هر فرد در روز پنجاه لیتر آب رایگان برای شرب و بهداشت بدهیم و مابه ازای بیشتر از آن با قیمت واقعی آب محاسبه شود. شرکت های آب، شرکت های سودآوری نیستند که آبرسانی و توزیع آب به نفعشان باشد و قطعا این شیوه می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات شود.

متأسفانه این جنبه ها را ندیدیم و در این شرایط هستیم که چاره ای به جز انتقال آب از چابهار نداریم. اگر بخش خصوصی بیاید و آب بیاورد، کف پای آن ها را هم می بوسم. یکی از خوبی های انتقال آب به مشهد این است که قیمت آب تغییر می کند؛ مثل همین اتفاقی که درکرمان به وقوع پیوسته است. با این انتقال، قیمت آب ۲/۵ برابر افزایش پیدا کرده است و تازه قدر آب را می دانیم. تازه آن آبی که از دریا بیاید، آبی نیست که سفره را پایین بیندازد و حیات و ممات یک منطقه را دچار مشکل کند. هرقدر که آن آب قیمت دارد، قیمت این آب باید دوبرابر باشد تا همه، پول آن را بدهند و پول این را ندهند. امیدوارم این اتفاق بیفتد تا خیال همه راحت شود. اینکه دولت عادت کرده است این اطلاعات را به شهروندان ندهد، سیاست درستی نیست. وقتی آبی از سفره های آبی دشت مشهد استفاده می شود، خود شهروندان آن را استفاده می کنند و غریبه ای از خارج نیامده است تا از این آب بهره برداری کند. مردم باید پشت کار را بگیرند و ازکنار گود بیایند داخل گود.

شهرآرا وقتی از بحران آب شهری همچون مشهد صحبت می کنیم، برای چاره جویی و حل آن باید خیلی از دستگاه ها کنار هم قرار گیرند و هم پوشانی کنند؛ دستگاه هایی همچون آستان قدس رضوی، استانداری، فرمانداری، شهرداری، نهادهای اجرایی دارای ظرفیت و بسیاری از مراکزی که می توانند یاریگر متولیان آب برای گذر از روزهای سخت کم آبی باشند. آیا این همدلی و هم افزایی میان شما و دستگاه های مزبور به ویژه آستان قدس رضوی وجود دارد؟

نعمت نژاد: یکی از برنامه ها در ستاد بالادستی، استفاده از ظرفیت هایی مثل آستان قدس رضوی است. به دلیل اینکه مدعی هستیم ۳۰ میلیون زائر فعلی مشهد را می خواهیم به ۵۰ میلیون برسانیم، نیازمند مشارکت آستان قدس رضوی نیز برای تأمین آب موردنیاز این عزیزان هستیم. در این زمینه، پروژه های مختلفی نیز با همراهی مسئولان این مجموعه اجرا شده است؛ به طور مثال در مزرعه نمونه هفتاد چاه در اختیار آستان قدس است؛ هرچند اکنون شبکه جایگزینی و انتقال پساب برای این مزارع اجرا شده، به دلیل برخی موضوعات شرعی و همچنین مباحث کیفی درگذشته، این کار انجام نشده است. الان خود دوستان به این نتیجه رسیده اند که به دلیل کاهش یافتن دبی آب چاه ها باید از این ظرفیت استفاده کنند. اولین دبی این چاه ها بین چهل تا پنجاه لیتر بوده است که درحال حاضر پروانه بهره برداری آن ها به پانزده تا شانزده لیتر رسیده است و الان به این نتیجه رسیده اند که اگر بخواهند آب پایدار داشته باشند، باید به این سمت حرکت کنند؛ به همین دلیل الان متقاضی جایگزینی پساب هستند و ما نیز اتصالات به آب شرب بیست حلقه چاه را بررسی کردیم. در منطقه غرب هم منطبق بر پروژه پایدار تأمین آب، قرار است در سه زون، ۱۲۰ میلیون مترمکعب به مشهد منتقل و ۱۰۰ میلیون مترمکعب پساب، برگشت داده شود که امیدوارم با همکاری همه دستگاه ها در تأمین آب به صورت پایدار و بلندمدت موفق باشیم. در حوزه سرمایه گذاری هم به تازگی جلسه ای در تهران داشتیم تا ارائه ای را برای سرمایه گذاری در حوزه آب داشته باشند. پیگیر هستیم و مشاوران نیز در این زمینه دارند فعالیت می کنند.

مصرف آب شرب مشهد در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ حدود ۲۶۶ میلیون مترمکعب بوده که ۱۸۳ میلیون مترمکعب آن از طریق سفره های آب زیرزمینی تأمین شده است، درحالی که در برنامه بلندمدت قرار بوده است فقط ۱۱۰ میلیون مترمکعب استفاده کنیم. در این میان ۸۳ میلیون مترمکعب آب را از چهار سد به مشهد آورده ایم. ما هم از حفر چاه در غرب مشهد راضی نیستیم؛ چراکه این برداشت از یک محدوده است و بازهم کم می آوریم. در شرایط عادی شاید بتوانیم با این وضعیت پیش برویم ولی در زمان های اوج مصرف آب مثل دهه آخر صفر حتما باید آب به شبکه تزریق شود. به شش مرکز استان مثل ایلام و بیرجند اگر در یک بازه شش ماهه آبرسانی کنیم، بسیار راحت تر از آبرسانی مشهد است؛ چون مصرف آن ها حدود ۶ هزار لیتربرثانیه است. در همین راستا، نگاه ویژه ای باید به مشهد بشود و همه بپذیریم که این نگاه را باید داشته باشیم.

اسماعیلیان: آستان قدس رضوی در چند جا می تواند به مجموعه آب کمک کند. اولا که این مجموعه تعدادی منابع آبی را خودش در اختیار دارد که البته با دستور تولیت آستان قدس رضوی، تعدادی از چاه ها را به شبکه شرب مشهد متصل کردیم. یک کار می تواند این باشد که آستان قدس، آب شرب خود را با پساب جایگزین کند. این مجموعه می تواند منابع آبی باکیفیت خود را در اختیار آب شرب شهروندان مشهدی قرار دهد و درعوض پساب تحویل بگیرد. سومین کار آستان قدس، سرمایه گذاری در طرح های آب وفاضلاب کلان شهر مشهد است؛ مثل سرمایه گذاری این مجموعه روی طرح های راهداری؛ البته در این حوزه خیلی هم نباید نگاه اقتصادی صرف داشت.

با وجود خشک سالی های پیاپی، تاکنون یک لیتر تخصیص جدید هم برای آب مشهد صورت نگرفته و هرچه بوده است، درباره تخصیص های گذشته است؛ یعنی اگر صحبت از حفر چاه می کنیم، درباره تخصیص هایی است که درگذشته انجام شده است. در این میان برخی کارها از جنس حفر چاه، بهسازی و برخی اقدامات تکمیلی و همچنین در اختیارگیری ظرفیت هایی است که در خدمت سایر ارگان ها قرار دارد. سال گذشته سی حلقه چاه فعال در اختیار سایر ارگان ها مثل دانشگاه فردوسی، آستان قدس رضوی و مرکز تحقیقات را به شبکه آب مشهد متصل کردیم و امسال هم اتصال ۲۱ حلقه چاه دیگر را در دستورکار داریم. ۲۱ حلقه چاه دیگر نیز از چاه های شخصی است که توافقاتش را شرکت آب منطقه ای با کشاورزان انجام داده است.

خوشبختانه پارسال به مرحله ای نرسیدیم که از این چاه ها استفاده کنیم و بنای ما هم استفاده از آن ها برای روز مباداست.

داوری: آستان قدس باید برای مهار بحران آبی مشهد به صورت جدی تر وارد میدان شود. اینجا مشهدالرضاست و زائران به خاطر امام رضا(ع) به این شهر مشرف می شوند و آستان قدس رضوی نیز باید برای این حوزه سرمایه بگذارد. درست است که وظیفه این مجموعه بیشتر درباره موقوفات است، اما اگر قرار است مشهدالرضا مکان زیارت باشد و زائران به این شهر بیایند، باید منابع کافی ازسوی آستان قدس رضوی اختصاص پیدا کند. این کناره گیری و این نگاه که موقوفات دارم و والسلام، درست نیست و دست کم به اندازه مصرف آب زائران، یک مسئولیت به گردنشان است.

اگر خدای ناکرده خشک سالی پارسال شش سال طول می کشید، خدا می داند چه باید می کردیم. اهمیت موضوع را مسئولانی که بودجه تعریف می کنند، نیز باید بدانند. مسئله همدان و اینکه یک صبح بیدار شوی و بگویند چون سد، آب ندارد آب نیست، شاید در ابتدا خنده دار باشد اما اگر به دل موضوع برویم، آن قدرها هم خنده دار نیست. مسئولان امر درباره کمبود آب همدان هشدار دادند و با این حال این موضوع در چرخه بروکراسی و بی توجهی ها قرار گرفت، تا جایی که از بحران همدان به نام «بحران دبه آب» نام برده شد. مشهد نباید به این وضعیت برسد و حق مشهد و مدیرانی که این گونه زحمت می کشند، این نیست.

در گذشته آبفاها زیرنظر شهرداری ها بودند. فرض کنید در صورت تداوم این کار، پول ساخت تصفیه خانه ها و فاضلاب ها باید از محل عوارض شهرداری دریافت می شد. الان با این پول واقعا می شود تصفیه خانه ساخت؟ با این پول، اعتبار کشیدن لوله تا تصفیه خانه هم درنمی آید. دانشگاه ها نیز باید خیلی بیشتر در این زمینه کمک کنند، منتها باید در نظام تصمیم سازی کشور جایگاهی برای استادان دانشگاه دیده شود. استادان کشور حقوق نسبتا خوبی می گیرند و باید درگیر کارهای اجرایی کشور هم باشند. یک استاد اگر می خواهد به مقام استادی برسد، باید طرح مشکل کند؛ وگرنه استاد شدن به این حرف ها نیست. الان سیستمی که تعریف شده است، این گونه نیست. متقابلا اگر مدیری می خواهد در یک دستگاه مدیر شود، استادان دانشگاه باید برنامه اش را بررسی کنند. درحال حاضر از هشتصد عضو علمی دانشگاه فردوسی شاید هشتاد نفر درگیر کارهای اجرایی نباشند. در دانشگاه علوم پزشکی، استادی را نمی بینید که جراحی کند و جراح نباشد. اما متأسفانه در دانشگاه افرادی هستند که کتاب درس می دهند اما آن کتاب را در حوزه اجرا لمس نکرده اند.

شهرآرا بسیاری از مشکلات موجود کشور به ویژه در استان ها و شهرستان ها، ناشی از نگاه تمرکزگرایی است که در پایتخت وجود دارد. آیا واگذاری اختیارات به حوزه های بخشی و استانی در صنعت آب وفاضلاب، می تواند سبب بهبود شرایط تأمین آب کلان شهری همچون مشهد باشد؟

نعمت نژاد: بی شک تا زمانی که اقتصاد آب بر همین منوال باشد، عکس العمل جامعه در برخورد با این مایع حیاتی همین است. تعرفه هایی که آب منطقه ای به صورت کلان پیگیری می کند، در بخش های کشاورزی و سایر مصارف است. در بخش شرب و بهداشت، مشترکان شرایطی دارند که شرکت های آب وفاضلاب پیگیری می کنند. قبض اخیر خودم برای ۷۵ روز با استفاده ۲۷ هزار لیتر فقط ۵۸ هزار و ۴۰۰ تومان بود. فرض کنید که همین مقدار را بخواهیم مترمکعبی ۲۵۰ هزار تومان بفروشیم؛ درحال حاضر یک مترمکعب آب معدنی ۸ میلیون تومان می شود. با این نگاه نمی شود انتظار داشت که این گونه مصرف و زیر دوش آواز خواندن ها اصلاح شود. اگر این تعرفه ها را مراجع مربوط افزایش می دادند، این مشکلات پیش نمی آمد و سبب انباشت مسائل آبی نمی شد. تعرفه ها قطعا باید اصلاح شود.

مشهد دومین کلان شهر کشور و مرکز جهان تشیع است و اگر نگاه خاصی به این شهر وجود دارد، باید در تمام مسائل همان نگاه احساس شود. سیستم و نظام باید یک نگاه بلندمدت در حوزه آبی این منطقه داشته باشند. با این شرایطی که مشهد دارد و با این سرانه ای که در محدوده مطالعاتی این شهر به آن رسیده ایم، باید همه پای کار بیایند و یک برنامه ریزی بلندمدت داشته باشیم. به نظرم مشهد برای یک بار هم که شده، باید به سمت نوبت بندی حرکت کند.

اسماعیلیان: قیمت آب را با وجود ساختارهایی که در شرکت های آب وجود دارد، مجلس تعیین می کند. درثانی تفاوت هایی بین آب با سایر خدمات وجود دارد؛ آب یک موضوع محلی است و در هر شهری به شکلی خاص تولید می شود و تولید و توزیع آن مثل برق نیست. اصلا نظام تعرفه گذاری در حوزه آب، باید متفاوت از گاز و برق باشد. به لحاظ قیمت تمام شده، شرکت های آبفا خیلی زیان ده هستند. تازه قیمت تمام شده ای که گفته می شود، قیمت تمام شده واقعی نیست و قیمت تمام شده «دفتری» است. در مدیریت مصرف آب، ما حتی با اعداد موجود مشهد، کمترین سرانه مصرف آب را درمیان تمام شرکت های آب داریم. چیزی حدود ۱۳۰ لیتر، مصرف هر فرد در شبانه روز است. استاندارد می گوید سرانه مصرف در شرایط خشک سالی می تواند با حفظ سطح بهداشت و سلامت هفتاد لیتر باشد، با این حال می توانیم تا این میزان هم مصرفمان را کم کنیم و در صورت تحقق این نگاه، اصلا به اجرای این گونه پروژه ها نیز نیازی نیست. اما چه اهرم و عواملی سبب می شود که عدد ۱۳۰ را به عدد ۷۰ برسانیم؟ بخشی از تلاشمان برای تحقق این امر باید صرف اقدامات مرتبط با بازدارندگی شود. همان قدر که الان می بینیم مردم استان مصرف کمتری از سایر استان ها دارند، بخشی به باورها و اعتقادات دینی و مذهبی آن ها بر می گردد. قیمت به تنهایی کارساز نیست اما مهم است. حتی در افرادی که خیلی آب مصرف می کنند، هزینه ای که برای قبضشان صادر می شود، آن چنان سنگین نیست. حتی درمیان افراد پرمصرف، متوسط قبض آب خانگی، کمتر از ۳۰ هزار تومان است و این رقم، پول یک چیپس و سه عدد نان سنگک است. قبض خودم در دوره اخیر فقط ۲۴ هزار تومان برای دو ماه بوده است. کسی که در یک نُرم مشخص مصرف می کند، باید یک رقم مشخص پرداخت کند اما مشترک پرمصرف باید هزینه خود را بپردازد. این کار در بخش صنعت وکشاورزی هم باید لحاظ شود. بدمصرف های ما چیزی کمتر از ۵ درصد هستند و ۲۵ درصد مشترکان را مشترکان پرمصرف تشکیل می دهند. اما باید ببینیم الگو چگونه تعریف شده است. مشکل این است که الگو به انشعاب تعلق گرفته است نه به فرد. این الگو را دوازده مترمکعب برای چهار نفر گذاشته اند اما خانوارهای زیادی وجود دارند که دونفره هستند و همین الگو را دارند. درواقع الگو دچار ایراد است و اگر براساس واقعیت باشد، تعداد مشترکان پرمصرف خیلی بیشتر از میزان کنونی می شود.

داوری: درکشور ما امر تفویض، فراموش شده است. دولت ملی، مسائل ملی را باید حل وفصل کند و این، شهر مشهد و استان خراسان رضوی هستند که باید برای مشکلات خود چاره جویی کنند؛ به معنای دیگر، مدیران محلی باید این مجال را برای مدیریت داشته باشند. اگر ما از بالا، کارها را ریزبه ریز به استان ها ابلاغ کنیم، نتیجه این می شود که برای موضوعاتی همچون آبیاری فضاهای شهری در شهرهای شمالی همان دستوری صادر می شود که برای شهرهای خشک وکم آب. فضاهای شهری نهبندان و رشت و مشهد، داستان های خودشان را دارند و به هیچ وجه شبیه هم نیستند که دولت یک نسخه یکسان برایشان بپیچد. دولت ملی اجازه نمی دهد که دولت محلی خودش، موضوع مدیریت تقاضا را آغاز کند و با مدیریت آب، رویکردها را تغییر دهد.

مشهد در زمینه بحث های آبی به دلیل برگزاری جلساتی همچون «شب آب»، یک پیشتازی فوق العاده داشته است و این ظرفیت را دارد که به عنوان پیشگام، پایلوت رودخانه کشف رود را که دعوای بین استانی هم ندارد، شکل بدهد. سند سازوکار هماهنگی مدیریت حوزه ای آبی کشور هم پارسال آمده است و مصوبه شورای عالی آب را هم دارد. اگر این تصمیم ها به مشهد تفویض شود، باتوجه به اقتصاد خوب شهر، بسیاری از این مشکلات بدون پول ملی حل شود.

با این کار، شورای حوزه شکل می گیرد و مشهد و استان اختیارات زیادی به دست می آورند که می توانند تخصیص آب را به دست گیرند و در بلندمدت، مشارکت ذی نفعان آب حوزه را رقم بزنند. کشف رود مال همین مردم است اما مادامی که تصمیم ها در تهران گرفته می شود، نمی توان کار شایسته ای برای برون رفت از این مشکلات کرد. تفویض اختیار بسیار آسان است و آقای وزیر یا هیئت دولت می توانند این اختیار را به راحتی بدهند.